بررسی اقتضای نهی از «روزه سوم الشک به نیت رمضان» نسبت به بطلان

شاگرد: تتمه‌ی بحث را فراموش نکنید.

استاد: ببینید بحث در این بود که سنت چه کار کرده که سیام ماه شعبان مجزی شده است. چهار فرض عرض شد. حال آمدیم و سوم الشک را روزه نگرفت. طبق سنت علی انه من شعبان را روزه نگرفت، روی فروض چهارگانه‌ای که گفته شد، باید چطور جلو بیاییم؟ او که نگرفت باید قضا کند، چرا؟ چون سنت گفته بود اگر از ماه شعبان بگیرد، داعی به داعی هست. حال که نگرفته حکم، بالفعل بوده و باید قضا کند. این برای این طرف است که روزه را نگیرد. حال آمدیم و طبق سنت، روزه را گرفت، اما علی انه من شهر رمضان روزه گرفت. یعنی خلاف سنت عمل‌کرد. در جلسه قبل گفتیم که وقتی وفاق سنت عمل می‌کند، وجه اجزائش چیست. اما اگر خلاف سنت کرد، وجه عدم اجزائش چیست؟ این تتمه‌ای است که می‌خواهم عرض کنم. خلاف سنت کرده، یعنی روزه گرفته علی انه من شهر رمضان، که چهار فرض هم بود؛ علی انه من شهر رمضان عمداً، جهلاً، سهواً و عدداً. چرا مجزی نیست؟ چرا «انه علی شهر رمضان» روزه گرفته فاسد است؟

> 32:29

برگردیم و ببینیم سنت چه کار کرده بود. اگر سنت، حکومت موضوعی بود، ای تخصیص حکم بود، ای بدل بود. اگر سنت یکی از این سه فرض اول بود، در اینجا با سنت مخالفت کرده. یعنی سنت برای این شخص کاری انجام نمی‌دهد. خب چرا باطل است؟ وقتی سنت برای او کاری انجام نمی‌دهد و تصحیح نمی‌کند، چرا باطل باشد؟ به‌خصوص اینکه در وجه چهارم، داعی به داعی را بگوییم. بنابر داعی به داعی چرا باطل باشد؟ در داعی به داعی، سنت می‌گفت برای اینکه ماه مبارک از دستت نرود، احتیاطا به نحو داعی به داعی روزه بگیر. خب حال من نیت کردم علی انه من رمضان، چرا باطل باشد؟ روی فرض داعی به داعی چه وجهی دارد؟ خب واقعاً مأتیٌ به من عین فرد مأمور به بوده. روی فرض چهارم چرا فاسد باشد؟

در این چند لحظه‌ای که هست می‌خواهیم این را باز کنیم. ببینید اظهر وجوهی که در نظر جلیل فرمودند و در روایات بود، نهی است. از ناحیه سنت، انحصار در نیت شعبان و در کنار آن هم نهی است. نهی از این دارد که علی انه من رمضان روزه بگیرد. خب وقتی نهی است، نهی موجب فساد است. روی سه فرض اول خیلی روشن است. در سه فرض اول سنت می‌گفت که اگر به این صورت گرفتی مجزی است و آن وجه دیگرش خلاف سنت است و به آن نهی است، لذا روزه آن باطل است. بنابر داعی به داعی چه؟ بنابر داعی به داعی هم قبول کردیم که مأتیٌ به عین صوم شهر مبارک

است. اما فردی است که به آن نهی خورده است و نهی موجب فساد عبادت می‌شود. پس بنابر جمیع مواردیکه علی انه من شهر رمضان روزه می‌گیرد، من‌یٌ‌عنه می‌شود و فاسد می‌شود. بنابر موردهای اول خیلی روشن است. چون روزه‌ای گرفته است که سنت برای او کاری انجام نداده است و نیت هم نداشته است. این فرض اول بود. آیا فروض دیگری هم هست یا نه؟ من می‌خواهم فروض دیگری را هم عرض کنم تا روی آن تأمل کنید.

> 35:17

شاگرد: نهی از عبادت مطلقاً موجب فساد است؟ ولو نمی‌دانسته و فکر می‌کرده که کار خوبی انجام می‌داده و رجاءً روزه گرفته بود. نهی به او واصل نشده بود و معذور بود.

شاگرد۲: باید نهی، غیری باشد. یعنی نهی به جهت انفراد به صیام بود باشد.

استاد: بله، اینها اشکالات به نهی است. اظهر افراد، فعلاً این است. آیا نهی در عبادات مطلقا مفسد هست یا نیست؟ یا فی الجمله؟ یعنی بعض موارد نهی هست که موجب فساد است. در اصول از مواردی مفصل بحث بود که نهی موجب فاسد نیست. بخصوص در اینجا که حضرت فرموده‌اند: «نهی‌انا لان ینفرد الانسان بالصیام». ببینید با خود صوم مشکلی ندارد با انفراد آن مشکل دارد. در اینجا بخوبی می‌تواند اجتماع امر و نهی بیاید. چون بعنوان انفراد منهی عنه است و بعنوان صوم ماه مبارک مأمور به است. علیای حال طبق فتوای مشهور فعلاً بان را می‌گذاریم که این نهی مفسد است. و الا من عرض کردم مرحوم آقای میرزا علی جواهری اولین محشی عروه بودند که گفته بودند حتی اگر علی انه من شهر رمضان نیت بکند، باز هم صحیح است. مرحوم آسید عبد الاعلی هم در مهذب الاحکام هم همه را تصحیح کرده بودند. یعنی حتی اگر علی انه من شهر رمضان روزه گرفت، باز در نکرده است. شاید مرحوم حاج آقا رضا در مصباح الفقیه هم میل به همین کرده بودند. فاصله که می‌شود من یادم می‌رود. من به اینها مراجعه کرده بودم.

بازبینی #1
ایجاد شده در 20 مه 2026 12:03:59 توسط ... .
به روزرسانی شده در 20 مه 2026 12:05:00 توسط ... .